

تأثیر باورهای یهود در بازتولید نگاه جاهلی به حیات اجتماعی زن در جامعه اسلامی

فاطمه جعفرنیا^۱، صادق آئینه‌وند^۲، لیلا هوشنگی^۳

چکیده

قبل از اسلام در منطقه جزیره العرب همانند سایر مناطق، نگرش منفی به زن نگاه غالب بوده است. اسلام این نگاه را متحول کرد. خلقت یکسان زن و مرد در گفتمان قرآن، تساوی آن‌ها را در کسب ارزش‌های معنوی و عدم تفاوت در مشارکت اجتماعی زن و مرد را به دنبال داشت. این بینش در گفتمان نبوی با حضور زن در اجتماعات دینی و در عرصه‌ی علم‌آموزی و مشارکت در امور جنبه‌ی عینی و عملی به خود گرفت. با رحلت پیامبر(ص) اراده‌ی جامعه‌ی اسلامی بر این اندیشه استوار شد که گفتمان اسلام در باب زن در حاشیه قرار گیرد. نگارنده بر آن است که عناصر ادیان و اقوام دیگر از جمله عناصر فرهنگ یهود در تقویت این جریان و بازتولید نگاه جاهلی به زن تأثیر گذار بودند. فرهنگ یهود که در بر گیرنده‌ی شاخص‌های نگاه منفی به زن در بعد اجتماعی بود، بانگاه جاهلی در این زمینه هم‌سوئی یافت. نتیجه‌مبین آن است که سیاست خلفا در فراهم کردن زمینه برای نفوذ و رواج عناصر فرهنگ یهود به وسیله اخبار نو مسلمان و راویان آن‌ها منجر به ظهور احادیث و روایت‌های شده‌ی هر چند به نام احادیث اسلامی به فرهنگ اسلامی راه یافت، اما در حقیقت چیزی جز بازتولید نگاه جاهلی به زن نبود. از این رو، آگاهی از آموزه‌های اصیل اسلامی از آموزه‌های جاهلی بازتولید شده به نام اسلام از اهداف این پژوهش است.

واژه‌های کلیدی: زن - قرآن - سیره نبوی - عصر جاهلی - یهود - اموی - عباسی

مقدمه

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء (س) Fatemeh Jafarnia@Yahoo.com

^۲ استاد گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس Email: aeneh-sa@modares.ac.ir

^۳ استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه الزهراء (س) I hooshnsngi@Yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۳۰ تاریخ تایید: ۸۹/۱۰/۱۹

در باب وضعیت زن در ادوار مختلف تاریخ و در میان اقوام و ملل گوناگون، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. بر این اساس، نگاه منفی به زن، نگرش غالب در میان تمامی اقوام و ملل بوده است. در منطقه‌ی جزیره‌ی العرب قبل از ظهور اسلام نیز نگاه منفی به زن غلبه داشته است. با ظهور اسلام، زن از مقام و موقعیت بهتری برخوردار گردید. پیامبر (ص) می‌کوشید تا با اجرای آموزه‌های قرآنی، دیدگاه مسلمانان را نسبت به زنان متحول کند. در عصر نبوی (ص)، جامعه مبتنی بر حضور فعال زن مسلمان در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بود و این فعالیت‌ها مورد تأیید پیامبر (ص) بود. البته در عصر نبوی (ص)، زنان بیشتر حضور فکری و دینی داشتند و بدون آن که مستقیماً در اداره‌ی جامعه وارد شوند در تحولات جامعه اسلامی ایفای نقش می‌کردند. تداوم این وضعیت می‌توانست در دوره‌های بعد، شرایط مطلوب‌تری برای زنان در جامعه اسلامی به وجود آورد. اما با رحلت پیامبر (ص) جامعه دستخوش تحولات گردید و بسیاری از سنن جاهلی بازتولید شد. حادثه‌ی سقیفه به عنوان نخستین انحراف در جامعه‌ی اسلامی، اثر خود را بر وضعیت زنان نیز بر جای گذاشت. سنت‌های گذشته به سرعت بازگشتند تا بر جامعه و سیر حرکت آن حاکم شوند. بدین ترتیب، تعالیم اسلام درباره‌ی جایگاه زن با بی‌توجهی مواجه شد و دیدگاه جامعه نسبت به ایشان دگرگون گردید. از همان ابتدا، خلفا به عنوان جانشینان پیامبر (ص)، در برخورد با زنان روشی برخلاف روش پیامبر (ص) در پیش گرفتند. بنابراین، در گام نخست حکومت به عنوان اولین عامل در بازتولید نگاه جاهلی به زن نقش داشت. علاوه بر این، باورهای ادیان پیش از اسلام از جمله یهود نیز در این زمینه تأثیرگذار بود. سابقه‌ی نفوذ باورهای یهود در میان اعراب جزیره‌ی العرب به دوره‌ی قبل از اسلام باز می‌گردد. در دوره‌ی اسلامی هم بسترهای مناسب برای نفوذ و رواج عناصر فرهنگ یهود فراهم شد. آن‌چه که بعد از رحلت پیامبر (ص) در جامعه‌ی اسلامی رخ داد، تداوم اقدامات پیامبر (ص) و اجرای تمامی آموزه‌های اسلامی در باب زن نبود. نفوذ و رواج باورهای یهود در جامعه‌ی اسلامی با اندیشه‌های جاهلانه از زن هم‌سویی یافت و به بازتولید نگاه جاهلی در این زمینه یاری رساند. بر این اساس پاسخ به این سوال ضروری است که، باورهای یهود، در بعد اجتماعی چه تأثیری در بازتولید نگاه جاهلی به زن در جامعه‌ی اسلامی داشته است؟

جهت بررسی موضوع، فرضیه‌ی زیر مورد توجه می‌باشد:

بازتولید نگاه جاهلی به زن در جامعه‌ی اسلامی (در زمینه‌ی اجتماعی) مبتنی بر تأثیرپذیری از باورهای یهود در باب محدودیت زن در انجام مراسم مذهبی و عدم مشارکت اجتماعی او بوده است. به نظر می‌رسد، این مسأله در نهایت، تطور آموزه‌های اسلام را به دنبال داشت و سبب شد تا آن‌چه در متون و منابع اسلامی در باب زن انعکاس یافت در تعارض با اسلام و آموزه‌های آن باشد. نگاه به زن بعد از رحلت پیامبر (ص) بازتولید نگاه جاهلی است نه نگاه اسلامی متأثر از سنت نبوی (ص). لذا، شناخت آموزه‌های اصیل اسلامی از آموزه‌های جاهلی بازتولید شده به نام اسلام از اهداف این پژوهش است.

شاخص‌های نگاه جاهلی به حیات اجتماعی زن

در نگاه جاهلی، زن به لحاظ جسمی موجودی ضعیف و ناتوان به حساب می‌آمد. پیامد این نگرش آن بود که جامعه از داشتن فرزند دختر کراهت داشت. عرب جاهلی، زن را به مکر و خدعه متهم^۱ و از مشورت با او خودداری می‌کرد^۲. بر این باور بود که زنان از خرد تهی می‌باشند^۳. پیامد چنین نگاهی آن بود که زن، هیچ مقام و منزلت مستقلی نداشت و همواره تابع مرد بود. در عصر جاهلی، زنان هم مرتبه‌ی کودکان به شمار می‌آمدند؛ چون نمی‌توانستند با دشمن بجنگند. از زن بیش از هر چیز ازدیاد نسل قبیله را انتظار داشتند^۴. برای بررسی وضعیت اجتماعی زنان در عصر جاهلی، می‌توان آنان را به سه گروه شریف، فقیر و کنیز تقسیم کرد. زنان شریف که اقلیتی محدود را تشکیل می‌دادند، متعلق به خاندان‌های ثروتمند و صاحب نام قبایل معروف و قدرتمند بودند. این زنان به دلیل شرافت حسب و نسب از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بودند که سایر زنان را از آن بهره‌ای نبود^۵. در گروه دوم؛ زنان فقیر که اکثریتی از زنان بدان تعلق داشتند، هیچ امتیاز خاصی به چشم نمی‌خورد. به اعتباری، تقریباً تعریف واقعی زن عصر جاهلی با لحاظ این گروه معنا می‌یابد. شأن و منزلت این زنان بسیار اندک و زمام زندگی آن‌ها در دست مردان بود^۶. گروه سوم؛ کنیزان بودند که از همان اندک

^۱ - مشارقه (۱۹۸۸) ص ۱۳۳

^۲ - حسین الحاج، (۱۹۸۴) ص ۱۴۵

^۳ - جوادعلی، (۱۴۱۳) ج ۴، ص ۶۱۸

^۴ - جواد علی، (۱۴۱۳) ج ۴، ص ۶۳۸

^۵ - حسین الحاج، (۱۹۸۴) ص ۱۳۴

^۶ - مشارقه (۱۹۸۸) ص ۱۳۶

شان زنان معمولی نیز برخوردار نبوده اند. کنیزان، ملک مطلق اربابان خود بودند، بی آن که از حقی بهره‌مند باشند.^۱ زنان در جاهلیت مشاغلی بر عهده داشتند.^۲ البته مشاغلی که زنان به آن‌ها می‌پرداختند، ارزش و مقامی برای آنان به وجود نمی‌آورد، چرا که آن مشاغل برای مردان تحقیرآمیز بود.^۳ در ارتباط با مقوله‌ی علم‌آموزی به عنوان یکی از شاخص‌های مشارکت اجتماعی زنان باید توجه داشت که اصولاً این مقوله برای جامعه‌ی جاهلی چندان مفهومی نداشت. آنچه به عنوان علم در جامعه‌ی عرب جاهلی دیده می‌شود، در حد دانسته‌های محدود بشری است که تحت عناوین معدودی تقسیم‌بندی شده است. همان علوم معدود با همه‌ی بساطت در اختیار مردان بود. البته در برخی از علوم چون علم الشعر، علم الکهانه و علم الطب به برخی زنان نیز اشاره شده است. با توجه به این که در جامعه‌ی جاهلی، قدرت مردانه حرف اول را می‌زد و در شرایطی که زنان را فاقد خرد می‌دانستند، بدیهی است که با حاکمیت چنین اندیشه‌ای، حتی در صورت برخورداری جامعه از علوم پیشرفته، باز هم زنان بهره‌ای از علم‌آموزی نمی‌بردند. در مجموع می‌توان گفت که جامعه فاقد نگاه برابر به حضور و مشارک زنان و مردان در مناسبات اجتماعی بود.

زن در قرآن و سیره

۱- زن از دیدگاه قرآن

با ظهور اسلام، گفتمان جاهلی در باب زن دستخوش تغییر شد. قرآن مبدأ پیدایش همه‌ی انسان‌ها را چه زن و چه مرد، یکی دانسته است.^۴ پیامد خلقت یکسان زن و مرد این است که در کسب ارزش‌هایی که قرآن کریم، آن‌ها را به عنوان مقیاس سنجش معنوی انسان‌ها معرفی می‌کند تفاوتی بین زن و مرد نگذاشته است. در ارزش‌های انسانی چون ایمان و عمل صالح^۵، تقوی و پارسایی^۱، علم و دانش^۲ و هجرت و جهاد^۳ زن و مرد

^۱ - همان، ص ۱۳۷

^۲ - ابن قتیبه، (۱۴۱۵)، ص ۳۱۶

^۳ - ابوالفرج اصفهانی، (بی.تا)، ج ۵، ص ۶۷

^۴ - روم/۲۱؛ نحل/۷۲؛ شوری/۱۱؛ نجم/۴۶-۴۵؛ تین/۴؛ بلد/۴

^۵ - نساء/۱۲۴-۱۲۳

مرد را برابر می بیند . عرصه‌ی حیات اجتماعی، میدانی برای تلاش آدمی برای رسیدن به کمال است . این عرصه سبب شکوفا شدن بخش عظیمی از استعدادها و قابلیت‌های انسان می شود . برای عرصه‌ی حیات اجتماعی سه زمینه را می توان در نظر گرفت: مشارکت سیاسی ،علم‌آموزی،اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی .این سوال مطرح است که آیا این عرصه منحصر به مردان می باشد یا زنان نیز می توانند در این زمینه ها مانند مردان مشارکت داشته باشند؟ قرآن ،حضور زنان را در کنار مردان در اموری چون بیعت^۴، هجرت^۵، امر به معروف و نهی از منکر^۶، جهاد^۷، شرکت در شورا^۸، به عنوان مصادیق مشارکت سیاسی می پذیرد . بدین ترتیب ، اسلام بین زن و مرد از نظر تدبیر شؤون اجتماع و دخالت اراده و عمل آن دو در این تدبیر، تساوی برقرار کرده است . همچنین یکی از اهداف پیامبران، تعلیم و آموزش مردم می باشد . هیچ یک از آیاتی که به این وظیفه‌ی رسولان اشاره کرده ،آن را مختص مردان ندانسته است^۹ . در شریعت اسلام ، زن و مرد ، یکسان به دانش طلبی و کسب علم و دانش دعوت شده اند^{۱۰} . کار و تلاش اقتصادی زنان و مردان و مالکیت آنان بر درآمد حاصل از کسب و کار خویش مورد تایید قرآن می باشد^{۱۱} . بدین ترتیب ، از نظر قرآن زنان نیز مانند مردان می توانند در کسب و انجام معاملات ،علم آموزی و در حوزه‌ی مشارکت سیاسی و اجتماعی مستقل باشند و هیچ فرقی با مردان ندارند .

۲- حیات اجتماعی زن در عصر نبوی

^۱ - نجم/۴۶-۴۵

^۲ - بقره/۱۵۱

^۳ - توبه/۷۱

^۴ - ممتحنه/۱۲

^۵ - نساء/۹۸-۹۷

^۶ - توبه/۷۱

^۷ - نساء/۹۵

^۸ - شوری/۳۸

^۹ - بقره/۱۵۱

^{۱۰} - مجادله/۱۱

^{۱۱} - نساء/۳۲

در باب اهمیت سیر هی پیامبر (ص) و لزوم توجه مسلمانان به آن باید توجه داشت که خداوند در قرآن، سنت پیامبر (ص) را بهترین الگوی عملی برای مؤمنان معرفی کرده^۱ و پیروی از او را قرین اطاعت از خود^۲ و نافرمانی از او را مایه‌ی ضلالت و گمراهی از مسیر هدایت دانسته است. قرآن کریم، کلام و سنت پیامبر (ص) را هم‌سنگ و هم‌تراز خود می‌داند.^۳ به این ترتیب، احادیث و سنن نبوی ماهیتی جز تفسیر و تبیین آیات قرآنی قرآنی ندارد که هر مسلمانی ناگزیر به آموختن آن است.^۴

حضور زنان در اجتماعات دینی؛ همان‌طور که دیدیم، خداوند زنان را چون مردان به تعاون بر برّ و نیکی، امر به معروف و نهی از منکر، شرکت در حجّ و نماز جمعه و غیره دعوت می‌کرد. انجام این اعمال بدون حضور اجتماعی و توجّه به مسائل و شرکت در تجمع‌ها غیرممکن است. شواهد نشان می‌دهد که زنان مسلمان در عصر نبوی، در صحنه‌ی اجتماع حضور فعال داشتند و رسول خدا (ص) نه تنها آنان را از انجام این کارها نهی نکردند، بلکه آنان را تشویق نیز نمودند و حضور آنان را در این صحنه ستودند.^۵ در عصر پیامبر (ص)، زنان در اجتماعات مختلف مسلمانان شرکت می‌کردند. از جمله: حضور در مساجد؛ در دوران رسالت و پس از آن، مسجد مرکز عبادت، علم و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود و این فرصت زیادی برای زنان فراهم می‌کرد که در عبادات جمعی شرکت کنند، به قرائت قرآن توجّه نمایند و سخنرانی‌های عمومی رسول خدا (ص) و بزرگان دین را بشنوند. به علاوه با زندگی و مسائل مسلمانان آشنا و از اخبار اجتماعی و سیاسی ایشان آگاه شوند. به همین دلایل، رسول خدا (ص) بر حقّ حضور زنان در مساجد تأکید می‌ورزیدند.^۶ از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: وقتی همسران‌تان از شما اجازه خواستند که در نماز جماعت شب (عشاء) شرکت کنند به ایشان اجازه دهید.^۷ نصوصی وجود دارد که شرکت زنان در نماز میت و نماز آیات را تأیید می‌کند.^۸ زنان در

۱ - احزاب/ ۲۱

۲ - نساء/ ۸۰

۳ - معاری، (۱۳۸۴)، ص ۲۳

۴ - معارف، (۱۳۷۷)، ص ۳۳

۵ - ابن حجر، (بی.تا)، ج ۸، ص ۳۴

۶ - جلالی، (۱۳۸۳)، ص ۱۱۵

۷ - بخاری، (۱۴۰۷)، ج ۱، ص ۲۷۷

۸ - قشیری نیشابوری، (۱۹۷۲)، ج ۳، ص ۶۳

نماز جمعه نیز شرکت می کردند^۱. شرکت در نماز عیدین؛ زنان به همراه مردان برای اقامه‌ی نماز عید، در مجالس مسلمانان شرکت می کردند و رسول خدا(ص) بر شرکت زنان صحه می گذاشتند^۲.

تعلیم و تعلّم زن در سیره‌ی پیامبر(ص)؛ آیات و روایاتی که زن و مرد را به فراگیری دانش، تشویق و ترغیب می کند، فراوان است. رسول خدا(ص) مردم را به کسب علم و دانش دعوت می کرد و فراگیری آن را بر مردمان واجب می دانست. به ویژه، به گونه‌ای خاص، مردم را به احسان و آموزش دختران ترغیب می کرد^۳. رسول خدا(ص) روز خاصی را به تعلیم زنان اختصاص داده بود^۴. هم چنین، زنان باسواد و تعلیم دیده با توجه به توان وامکانات خود به عنوان یک تکلیف شرعی علم خویش را به دیگران منتقل کرده‌اند. زنان بسیاری در تاریخ اسلام، علاوه بر فراگیری دانش به امر تعلیم و آموزش پرداخته‌اند^۵.

مشارکت سیاسی؛ در عصر نبوی، زنان مسلمان هم‌چون مردان در عرصه های مختلف سیاسی شرکت داشتند. از جمله؛ بیعت با پیامبر(ص)^۶، هجرت^۷، حضور در رایزنی ها^۸، حضور در سریه ها و غزوه ها^۹، تشویق، تشویق سپاهیان مسلمان به مبارزه^{۱۰} و نیز تدارکات و پشتیبانی در صحنه های نظامی^{۱۱} شرکت داشتند.

شاخص های نگاه منفی به حیات اجتماعی زن در فرهنگ یهود

در باب خلقت زن، دیدگاه غالب در فرهنگ یهود آن است که خداوند زن را از دنده‌ی مرد خلق کرد^{۱۲}. این تلقی از آفرینش زن، بیان گر آفرینش غیر مستقل زن است و این که زن از مرد آفریده شده است. پیامد

^۱ - بخاری، (۱۴۰۷)، ج ۱، ص ۲۸۵

^۲ - قشیری نیشابوری، (۱۹۷۲)، ج ۳، ص ۲۱

^۳ - بخاری، (۱۴۰۷)، ج ۴، ص ۹۱

^۴ - همان، ج ۲، ص ۹۹

^۵ - ابن حجر، (بی.تا)، ج ۸، ص ۱۲

^۶ - ابن سعد، (۱۴۰۵)، ج ۸، ص ۴۱۲؛ ابن اثیر، (بی.تا)، ج ۵، ص ۳۹۵

^۷ - ابن هشام، (۱۹۸۵)، ج ۱، ص ۳۵۸

^۸ - بخاری، (۱۴۰۷)، ج ۶، ص ۲۷۴

^۹ - ابن هشام، (۱۹۸۵)، ج ۱، ص ۹۶

^{۱۰} - واقدی، (۱۴۰۹)، ج ۱، ص ۲۷۸

^{۱۱} - ابن حجر، (بی.تا)، ج ۸، ص ۲۴۲

^{۱۲} - تورات، (۱۰۹۴): سفر پیدایش، ۲: ۲۱-۲۳

چنین بینشی آن است که زن واسطه‌ی گناه اولیه است. او محکوم ازلی به نقش دوم بودن است.^۱ این امر زمینه را برای برداشت‌های زن ستیزانه و نگاه تحقیرآمیز به زن فراهم کرد. چنین نگرشی به خلقت زن، تأثیرات منفی در ابعاد مختلف از جمله در بعد اجتماعی بر جای گذاشت.

حضور زن در اجتماعات مذهبی

در ادبیات تورات یک نوع مذکر گرایی دیده می‌شود. این مذکر محوری، در احکام نیز نفوذ دارد. شامل نشدن زنان در برخی از قوانین، اصلی است که در تلمود نهفته است.^۲ زنان تقریباً از آن دسته احکام شرعی که انجام دادن آن‌ها بر زمان خاصی از روز یا سال مبتنی است، معاف شده‌اند. این احکام، بسیاری از آیین‌های معروف زندگی یهودی را دربرمی‌گیرند: پوشیدن صیصیت (تن‌پوش لبه دار چهارگوش)، بستن تَفیلین (تعویذها)، قرائت دعای شِمَع یسرائل، دمیدن در شوفار، برپا داشتن سوکا و زیارت. زنان مجاز نیستند که مینیان (حد نصاب) را برای برگزاری نماز جماعت تشکیل دهند. در واقع، زنان در بسیاری از حد نصاب‌های دینی و شرعی محاسبه نمی‌شوند. مثلاً، اگر در یک کنیسه بخواهند، یک مراسم رسمی عبادی برگزار بشود باید حداقل ده نفر مرد حضور داشته باشد و زن‌ها را نمی‌شمارند. در بسیاری از سرشماری‌های قوم بنی اسرائیل که در کتاب مقدس هم آمده، گویی زنان، اصلاً دیده نشده و به شمار نیامده‌اند.^۳ هم‌چنین در معبد مقدس نیز زنان زنان تا حدی (تا حیاط یا دهلیز) حق داشتند حضور داشته و پیش بروند. یا سلیمان، زنش را به کاخی غیر از کاخ داوود، آورد؛ چون هر جا تابوت مقدس وارد شود، مقدس خواهد بود؛ و ظاهراً زنان نباید وارد آن‌جا شوند.^۴ هم‌چنین زنان از بهره‌گیری از بعضی از اغذیه‌های آیینی محروم هستند. فرمان‌هایی هم که به محیط بیرون از خانه مربوط می‌شود، بر زن واجب نیست.^۵ طبق هالاخا، خواندن تورات و دعا در اجتماعات و مراسم مذهبی عمومی جزو وظایف شرعی مرد است. در احکام دین یهود تناقض در نماز زن نیز دیده می‌شود. نماز بر زنان واجب است؛ امّا، خواندن شِمَع یسرائل، تشهدی که باید دوبار در روز (صبح و شام) گفته شود، بر زن‌ها واجب

^۱ - تورات، (۱۰۹۴): امثال سلیمان، ۲۴:۶-۳۵

^۲ - Talmud, Qiddushin, 33B

^۳ - تورات، اعداد، ۳:۳۹ و خروج، ۱۲:۳۷

^۴ - تورات، کتاب دوم تواریخ، ۸:۱۱

^۵ - هولم، (۱۳۸۴)، ۲۲۴

نیست؛ زیرا جزو فرمان‌هایی است که به زمانی خاص وابسته است. نتیجه این معافیت این بوده که زن‌ها از فعالیت‌های اجتماعی، نماز جماعت (همراه مردها) کناره‌گیری کرده، در خفا و به‌طور انفرادی به عبادت خدا بپردازند.

علم‌آموزی زن از دیدگاه فرهنگ یهود

در فرهنگ یهود، به تعلیم و تربیت کودکان و آموختن تورات بسیار توصیه شده است. طبق هلاخا، پدر موظف است که به فرزندش، تورات بیاموزد. اما این الزام فقط در مورد فرزند پسر است و نه دختر.^۱ مسأله‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، نظرات مخالف با یکدیگر در امر تعلیم و تربیت دختران است. گفته شده: «انسان موظف است که تورات را به دختر خود بیاموزد؛ لکن، به دنبال این نظر بلافاصله، عقیده‌ای مخالف ابراز شده است: «هر کس که تورات را به دختر خود بیاموزد، چنان است که گویی، مطالب بی‌هوده و زشت را بدو آموخته است».^۲ گرچه این عبارت، بعدها کمی تعدیل و گفته شده است که زنان ملزم به خواندن تورات نیستند؛ لذا زنان کمی تعلیم می‌یافتند.^۳ اما نگاه غالب در امر تعلیم و تربیت دختران آن است که هر کس به دختر خود تورات بیاموزد، چنان است که گویی به او کلمات و مطالب جلف و هرزه و پوچ و بی‌معنا آموخته است. در تلمود آمده است که عالمی یهودی در پاسخ به پرسش زنی در باب مسأله‌ای از تورات طفره می‌رود و با تندی به آن زن می‌گوید: عقل زن به درد خیاطی می‌خورد.^۴ به استناد رویکرد نخست، زنی که تورات می‌آموزد، شایسته پاداش است، اما نه همانند مرد. زیرا وی مأمور به یاد گرفتن نیست. لیکن علما فرمان داده‌اند که مرد به دخترش تورات نیاموزد؛ چرا که ذهن و عقل بیشتر زنان پذیرش تعلیم را نداشته و آنان، کلام تورات را ضایع می‌سازند.^۵

در باب چگونگی خدمت زنان به تورات و ارتباط آنان با امر آموزش گفته شده است که زنان با خدمت به همسر و پسرانشان و این‌که خانه را برای آن‌ها آماده می‌کنند و آن‌ها را تشویق می‌کنند که به دنبال

^۱ - Talmud, Qiddushin, 33a

^۲ - Talmud. Mishnah Sotah. ۳:۴

^۳ - Encyclopedia Judaica ; ذیل: Woman

^۴ - Encyclopedia Judaica ; ذیل: Education of Jewish women

^۵ - Talmud و Hil khot ۱، ۱۳

خواندن تورات و تلمود باشند و شب، هنگام بازگشت آن‌ها به خانه به استقبال ایشان بروند... از این طریق به تورات خدمت می‌کنند؛ و ثواب و اجر عظیم بدست می‌آورند.^۱

زن و مشارکت در امور سیاسی

در باب حضور زنان در اداره‌ی جامعه و مشارکت در امور مربوط به آن، در فرهنگ یهود، بر این باور بودند که به کارگیری زنان برای کارهای پرتحرک در جامعه مجاز نیست. به لحاظ اجتماعی، زنان برای شغل‌های اجرایی و قضایی صلاحیت ندارند.^۲ هم‌چنین آمده است: "ای قوم من! هرگاه رهبران شما، کودکان و حاکمان شما زنان باشند. آنان شما را به گمراهی و نابودی می‌کشاند." انعکاس این نگاه در فقه یهود هم باعث شده است که زنان حق ریاست نداشته باشند.

چگونگی نفوذ عناصر فرهنگ یهود به جامعه‌ی اسلامی

رحلت پیامبر(ص)، تغییراتی در گفتمان اسلام به دنبال داشته است. نخستین نشانه‌های تغییر در گفتمان نبوی را در مسأله‌ی جانشینی پیامبر(ص) شاهد هستیم. بدیهی است، با بی‌توجهی جامعه به توصیه‌های پیامبر(ص) در امر حکومت می‌توان انتظار داشت که در سایر زمینه‌ها نیز، سیره‌ی پیامبر(ص) به راحتی به حاشیه رانده شود. سیاست خلفا در قبال زنان از جمله اموری بود که با گفتمان قرآن و گفتمان نبوی(ص) در تعارض بود. خلیفه دوم که یک بار در عرصه‌ی سیاسی، خواسته‌ی خود را جامعه‌ی عمل پوشانده بود، از آن‌جا که تمایل چندانی به همراهی با گفتمان نبوی در مورد زنان در عصر پیامبر(ص) نیز نداشت.^۳ با در دست گرفتن قدرت و با اتخاذ سیاست منع نقل و نگارش حدیث، از رواج سنت پیامبر(ص) در این زمینه که مسلماً با سیاست او در تعارض بود، ممانعت به عمل آورد. این اقدام زمینه را برای نفوذ عناصری از باورهای یهود به فرهنگ اسلامی فراهم کرد. رواج باورهای یهود در باب خلقت زن و معرفی زن به عنوان عنصر گناه اولیه در جامعه‌ی اسلامی از سوی اخبار نومسلمان^۴ زمینه را برای بازتولید عناصر فرهنگ جاهلی در بعد فکری به وسیله‌ی

Woman ذیل: Encyclopedia judaica، نیز نک: ۱۷۸، Talmud Berakhot -^۱

Talmud, Qiddushin, ۳۳b -^۲

^۳ - ابن سعد، (۱۴۰۵)، ج ۸، ص ۱۴۵

^۴ - برای نمونه نک: روایت وهب بن مُنیّه؛ تفسیر طبری؛ (۱۴۱۲)؛ ج: ۱، ص ۲۷۳

اعراب مسلمان فراهم کرد. علاوه بر این، مفاهیم جدیدی از باورهای یهود از جمله در زمینه‌ی حیات اجتماعی زنان از طریق راویان وابسته به حکومت وارد فرهنگ اسلامی شد. پیامد رواج این عناصر آن بود که خلیفه‌ی دوم برخلاف سنت پیامبر(ص) اقدام به ایجاد محدودیت برای علم‌آموزی زنان و حضور آنان در اجتماعات دینی کرد. این دسته از باورهای یهود که در اصطلاح اسرائیلیات نامیده می‌شود، عمدتاً بار ارزشی منفی دارند^۱ عوامل متعددی در پیدایش و گسترش اسرائیلیات نقش دارند^۲. اما ممنوعیت نقل و نگارش حدیث و میدان دادن خلفا به ویژه خلیفه‌ی دوم و معاویه به نومسلمانان یهودی و نصارا و داستان سرایان از عوامل مهم ورود اسرائیلیات و رواج آن در فرهنگ اسلامی است. بدین ترتیب، بیشتر راویان اسرائیلیات، یهودی‌های مسلمان شده بودند واکثر آن‌ها از تابعان به شمار می‌رفتند. اینان شاگردان متعددی داشتند که به نشر و گسترش روایت‌های آن‌ها کمک می‌کردند^۳. به نظر می‌رسد، هدف اصلی خلیفه‌ی دوم از منع نقل و به ویژه نگارش حدیث، تحقق بخشیدن به خواسته‌هایش بود^۴. ابتدا در جهت تثبیت حکومت خود، باید از نشر احادیث پیامبر(ص) در باب فضایل اهل بیت و جانشینی علی(ع) ممانعت می‌کرد. در سایر زمینه‌ها از جمله در موضوع مورد پژوهش، به نظر نگارنده، با توجه به این که بینش و تفکر خلیفه‌ی دوم در این مورد برخلاف سیره‌ی پیامبر(ص) بود، می‌توانست با ممانعت از نقل و نگارش احادیث نبوی مانع از انتشار و رواج سیره‌ی پیامبر(ص) در باب زن شود. اگر توجه کنیم، در می‌یابیم که عمر از نقل روایت توسط آن دسته از صحابه‌ی پیامبر(ص) که منافع و خواسته‌های او را تهدید می‌کردند، جلوگیری می‌کرد. در همان حال، تعدادی از علمای اهل کتاب که مسلمان شده بودند، اجازه نشر روایت‌های اسرائیلی را از خلیفه داشتند و آزادانه، اندیشه‌های انحرافی خود را منتشر می‌ساختند^۵، هم‌چنین، در دوره‌ی خلفای اموی، راویان اسرائیلیات ارتباط بسیار نزدیکی با حکومت اموی شام

۵- تورات، اشعیا، ۳:۴

^۱ - Lewis, (۱۹۸۴), p. ۷۰

^۲ - ابوریه، (بی.تا)، ص ۱۵۰

^۳ - ابوریه، (بی.تا)، ص ۱۵۰

^۴ - گرگور شوئلر، (۱۳۸۹)، ص ۱۷

^۵ - سیوطی، (۱۴۱۱)، ص ۹۷

داشتند.^۱ دوره‌ی حکومت معاویه، اوج ظهور احادیث جعلی و اسرائیلیات بود. در این دوران به تدریج با درگذشت صحابه‌ی پیامبر(ص)، تابعان به نقل حدیث و صدور فتوی پرداختند. اینان نیز عمدتاً مقلد سیاست‌های صحابه بودند. این امر به دلیل تأکید معاویه بر تداوم سیاست خلفای پیشین بود. معاویه مردم را از نقل حدیث منع می‌کرد، مگر آن روایت‌هایی که در زمان عمر، نقل آن‌ها جایز بود.^۲ جعل حدیث از ابزارهای مؤثر معاویه در تحکیم سلطه بنی امیه و مبارزه آنان با بنی هاشم بوده است.^۳ هر چند جعل حدیث، عمدتاً در زمینه‌ی فضائل و ردائیل موافقان و مخالفان حکومت اموی بود، اما بدیهی است، معاویه در سایر زمینه‌ها و از جمله در باب موضوع مورد پژوهش در راستای سیاست‌های حکومتی خود اقدام به جعل حدیث می‌کرد. این روند ادامه داشت تا این‌که در نیمه دوم قرن سوم و اوایل قرن چهارم روایت‌هایی که به صورت شفاهی از سده‌های نخستین توسط محدثان نقل می‌شد و یا در قالب یادداشت‌های شخصی نگه‌داری می‌شد، محتوای جوامع حدیثی اهل سنت را شکل دادند. بدیهی است که هم زمان با روی آوردن علمای مسلمان به تدوین و پدید آوردن نخستین آثار مدون در حدیث، برخی از روایت‌های جعلی و متأثر از اسرائیلیات در زمینه‌های مختلف و از جمله در موضوع مورد پژوهش در کنار احادیث صحیح به این آثار راه یافتند. سیاست خلیفه‌ی دوم که توسط خلفای اموی دنبال شد با قوت بیشتری تا پایان حکومت عباسیان استمرار یافت. علاوه بر نفوذ اسرائیلیات به جوامع حدیثی اهل سنت، به عللی جوامع حدیثی شیعه نیز از نفوذ اسرائیلیات مصون نماند. در بحث از اصالت حدیث شیعه توجه به دو عنصر در حدیث شیعه اهمیت دارد: نخست عنصر تقیه و نقش آن در حدیث شیعه و دیگر تأثیر فرقه‌های انحرافی بر افکار و عقاید شیعیان می‌باشد. پیروان این فرقه‌ها از تفسیر به رای یا جعل و تحریف حدیث ابایی نداشته‌اند. در این میان صادقین (ع) تندترین مواضع را در بین گروه‌های انحرافی نسبت به غلات و زنادقه داشته‌اند.^۴

^۱ - پیشوایی، (۱۴۶۷)، ص ۱۱۷

^۲ - ذهبی، (۱۴۱۹)، ج ۱، ص ۷۰

^۳ - ابن ابی الحدید، (۱۴۰۷)، ج ۴، ص ۶۸

^۴ - معارف، (۱۳۷۴)، ص ۲۸۸

در پایان این قسمت، اشاره به این مطلب ضرورت دارد که میان اسلام و یهود به دلیل ماهیت توحیدی این ادیان، اشتراکاتی وجود دارد. این امر مورد اشاره‌ی قرآن و توجه پیامبر(ص) بوده است^۱. این اشتراک در ماهیت سبب شده است تا این دو دین دارای نقاط مشترک بسیاری باشند. در هر دو دین، موضوعاتی هم چون، وحی، توحید، کتاب آسمانی، توافق در باب ایجاد فرهنگ اجتماعی مطابق با مذهب مطرح است. علاوه بر این، در یک زندگی مبتنی بر قوانین مذهبی، رابطه‌ی فرد با خدا و فرد با فرد از مفاهیم بسیار مهم و اصلی می‌باشد. رابطه‌ی فرد با خدا در قالب عبادت مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو، سنت‌هایی مانند نماز، روزه و طهارت در هر دو دین مطرح است^۲. برخی از محققان بر این باورند که پیامبر(ص) در چگونگی اجرای آیین‌های و شعایر متأثر از باورهای ادیان پیشین بوده است^۳. هر چند در ابتدای ورود پیامبر(ص) به مدینه، این امر در برخی زمینه‌ها به چشم می‌خورد؛ اما پیامبر(ص) با درک حساسیت این مطلب تلاش کردند تا مرزهای اعتقادی خود را با اهل کتاب مشخص کنند. به عنوان مثال، تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه بعد از هجرت به مدینه، بیانگر تلاش پیامبر(ص) برای تحدید کامل پیوندهای مسلمین حول محورهای معین می‌باشد. البته پیامبر(ص) تلاش می‌کردند تا در مرزبندی‌های اعتقادی میان اسلام و ادیان اهل کتاب، اصل پیوند رسالت ایشان با انبیای بزرگ را در اذهان مخدوش نسازند. چراکه در چنین شرایطی، علمای بزرگ اهل کتاب به عنوان یک سیاست منفی سعی داشتند تا اصل اتصال تاریخی و اعتقادی اسلام با دیانت خویش را انکار کنند و از این طریق مقاومت‌هایی را در میان اهل کتاب در گرایش به اسلام پدید آورند. خداوند در قرآن به ضرورت تمایز امت اسلامی از اهل کتاب از یک سو و واقعیت حفظ همبستگی و اتصال اسلام به رسالت انبیای بزرگ پیشین از سوی دیگر اشاره کرده است^۴. مقوله‌ی تأثیرپذیری پیامبر(ص) و قرآن از ادیان دیگر از نظر محققان مسلمان، موضوع جدی و مورد توجه نبوده است، زیرا که از نظر مسلمانان، قرآن، کلام الهی می‌باشد و از هر

^۱ - احقاف/۹؛ بقره/۲۸۶

^۲ - Neusnez and sonn ; (۱۹۹۹): p.۷۲

^۳ - Wensinck , (۱۹۸۲) . p . ۷۲

^۴ - بقره/۱۵۰-۱۲۵

گونه جعل و تحریف به دور است.^۱ اما، موضوع تأثیر یهود در اسلام از منظر سنت اسلامی از یک سو و نیز تعامل علمای یهودی با علمای مسلمان در جریان شکل‌گیری تمدن اسلامی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. تأثیرپذیری مسلمانان در سده‌های نخستین حیات جامعه‌ی اسلامی و متأثر از یهودیان منطقه‌ی جزیره‌ی العرب، موضوعی است که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به پیشینه‌ی ارتباط عرب با یهود قبل از اسلام و نفوذ فکری و فرهنگی یهود^۲، اینان یک سلطه‌ی فکری بر عرب داشتند. به نظر می‌رسد، این ویژگی در دوره‌ی اسلامی با جریان نفوذ اسرائیلیات و رواج آن‌ها در جامعه‌ی اسلامی تداوم یافت.

روایت‌های منقول از منابع یهودی بر سه دسته است: دسته‌ی نخست، آن بخش از روایت‌های منقول از منابع یهود است که صحت آن‌ها با منابع اسلامی از کتاب و سنت نبوی تأیید می‌گردد و پذیرش مضمون آن‌ها نیز از همین روست. دسته‌ی دیگر، آن‌هایی است که با منابع اسلامی مغایرت دارد و اساساً ناپذیرفته است. دسته‌ی آخر، یعنی آن‌چه در منابع اصیل اسلامی از آن سخنی نیامده است؛ نه نمی‌توان به درستی و نه به نادرستی آن حکم کرد^۳. شباهتی که میان باورهای یهود و احادیث اسلامی به چشم می‌خورد، شباهت در حوزه‌ی دین نیست؛ بلکه شباهت از منظر فرهنگ اسلامی با فرهنگ یهود است. در پژوهش حاضر، چگونگی این شباهت در موضوع حیات اجتماعی زن مورد توجه می‌باشد.

بازتاب باورهای یهود در بعد حیات اجتماعی زن در جامعه‌ی اسلامی

اولین چیزی که در مورد نگاه به زن در جامعه‌ی اسلامی بعد از رحلت پیامبر (ص) جلب توجه می‌کرد، این بود که بینش جامعه در موضوع خلقت بر اساس نص صریح قرآن، خلقت زن و مرد را از اصلی واحد می‌دانست اما عرف متداول در جامعه این بود که خداوند زن و مرد را از دنده‌ی چپ مرد آفریده است^۴. پیامد این نگرش یعنی این که زن طفیلی مرد است و خداوند زن را برای مرد آفریده است. خلیفه‌ی دوم به عنوان

^۱ - Lewis, (۱۹۸۴), p.۷۰

^۲ - جوادعلی، (۱۴۱۳)، ج ۶، ص ۵۴۹

^۳ - ابن کثیر، (۱۴۱۳)، ج ۱، ص ۷-۶

^۴ - قشیری نیشابوری، (۱۹۷۲)، ج ۳، ص ۲۶۷

جانشین رسول خدا(ص) و خلیفه ی مسلمین درباره ی زنان می گفت: "شاوروهَنّ و خالفوهَنّ" مشورت کنید با زنان و مخالفت نمایید آنان را^۱ حضور در اجتماعات دینی؛ همان طور که دیدیم، زنان در دوره ی پیامبر(ص) در مساجد حضور می یافتند و به اقامه ی نماز جماعت می پرداختند. همچنین در نماز جمعه، نماز عیدین و مراسم حج حضور داشتند. البته، بسیاری از مردان حتی در عصر پیامبر(ص) و با وجود تأکیدات فراوان ایشان مبنی بر حضور زنان در مسجد و عدم ممانعت مردان از آن، نسبت به خروج زنان خود از منزل، حساسیت نشان می دادند. خلیفه ی دوم از رفتن همسر خود به مسجد، رضایت نداشت. اما تنها به خاطر دستور پیامبر(ص) او را از این کار نهی نمی کرد.^۲ زمانی که وی به خلافت رسید با اقتدار بیشتری به ایده های خود جامه عمل پوشاند. مردانی که موافق نظر او بودند، از حضور همسران خود در مسجد ممانعت کردند^۳ بعدها چنان شد که وقتی عبدالله بن عمر، به نقل از پیامبر(ص) گفت: "که زنانان را اجازه دهید، شب هنگام به مسجد بیایند"، پسرش به اعتراض گفت: به خدا قسم اجازه نمی دهیم به مسجد روند و آن را وسیله ی فریب و نیرنگ قرار دهند.^۴ بدین ترتیب . برخلاف گفتمان نبوی، بعد از رحلت پیامبر(ص)، جامعه ی اسلامی تمایل چندانی به حضور زنان در مناسبات اجتماعی نداشت. تصور بر این بود که با تداوم سیره ی پیامبر(ص) در زمینه ی مشارکت اجتماعی زنان، جامعه شاهد حضور گسترده تر و فعال تر زنان در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... باشد. اما، برخلاف این تصور، از همان ابتدای رحلت پیامبر(ص) و در زمان خلیفه ی دوم، با منع زنان از حضور در برخی اجتماعات دینی(مانند نماز جماعت صبح و عشاء)^۵ و در ادامه با ممانعت از حضور زنان در مساجد برای خواندن نماز و شرکت در جلسات یادگیری قرآن و تأکید و توصیه به ماندن زنان در خانه، عملاً زنان از مهم ترین کانون تجمع و گردهمایی مسلمانان و از عرصه های مشارکت و حضور در جامعه کنار گذاشته شدند. اراده ی جامعه بر این اندیشه استوار شد که زنان حق دخالت و مشارکت در امور جامعه را ندارند. بدین ترتیب، برای رفتن زنان به مساجد و حضور در مراسم عبادی، محدودیت هایی به وجود آمد و زنان را به اقامه ی نماز در

^۱ - غزالی، (۱۳۷۷)، ج ۲، ص ۹۳

^۲ - ابن حجر، (بی تا)، ج ۴، ص ۳۶۴

^۳ - ابن اثیر، (بی تا)، ج ۷

^۴ - ابن ابی شیبّه، (۱۴۰۹)، ج ۳، ص ۱۴۸

^۵ - بخاری، (۱۴۰۷)، ج ۱، ص ۲۷۷

خانه تشویق می کردند. به نقل از «عایشه» آمده است: «اگر زنی در خانه‌اش نماز بخواند، بهتر از آن است که در حجره‌اش بخواند؛ اگر در حجره‌اش بخواند، بهتر از آن است که در مسجد نماز بخواند»^۱. همچنین عبدالله بن مسعود که به زنان و مردان در مسجد، قرآن می آموخت، زنان را از مسجد بیرون کرد و گفت: برای شما، خانه- هایتان بهتر است^۲ با این سیاست، زنان از مهم‌ترین مرکز تعلیم و تعلّم - مسجد - به دور ماندند و از فرهنگ و معارف اسلامی محروم شدند. به زودی سنت پیامبر(ص) در مورد حضور زنان در مسجد، با وجود تأکیدات مکرر آن حضرت چنان مغفول و متروک گردید که کسی باور نمی کرد، زنان در عصر ایشان به مسجد می رفته‌اند^۳. در احادیثی منسوب به رسول خدا(ص) آمده است: بهترین مساجد برای زنان، خانه‌های ایشان است^۴. همچنین شرکت در نماز جمعه و جماعت برای زنان واجب نیست^۵ روایت شده است که حضور زنان در نماز عیدین(فطر و قربان) جایز نیست؛ مگر پیر زنان^۶. زنان اجازه نداشتند، حتی در اجتماعات زنان، امامت نماز را به عهده بگیرند^۷ و این برخلاف سیره‌ی پیامبر(ص) بود که به یکی از زنان صحابی دستور داد که امامت اهل خانه‌اش را به عهده بگیرد^۸ برخی معتقدند، چون زنان در اجتماعات مردان محاسبه نمی شوند، به این دلیل شرکت آن‌ها در نماز جمعه واجب نیست^۹. این نظر را می توان با باور یهودیان در باب عدم محاسبه‌ی زنان در حد نصاب‌های دینی مقایسه کرد.

زن و علم آموزی؛ همان‌طور که اشاره شد، اراده‌ی جامعه بر این اندیشه استوار شد که زنان حق حضور در عرصه‌های اجتماعی را ندارند. از آن جا که امر تعلیم و تربیت، گام مهمی در آگاهی بخشیدن به زنان بود، تلاش کردند تا با ایجاد محدودیت، مانع از علم آموزی زنان شوند. نکته‌ی مهم در این امر، هم سویی اندیشه‌ی قائلان به ایجاد محدودیت برای علم آموزی زنان با باورهای یهود در توجیه این مسأله بود. در حدیثی

^۱ - ابن جوزی، (۱۴۲۳)، ص ۱۴۹

^۲ - بلاذری، (۱۹۹۶)، ج ۱، ص ۲۲۸

^۳ - ابن ابی شیبّه، (۱۴۰۹)، ج ۳، ص ۱۴۸

^۴ - ابن حنبل، (۱۴۰۴)، ج ۶، ص ۹۷

^۵ - المنذری، (۱۹۶۸)، ج ۲، ص ۲۵۳؛ صدوق، (۱۳۶۷)، ج ۶، ص ۲۹۲

^۶ - بخاری، (۱۴۰۷)، ج ۲، ص ۲۲۰؛ صدوق، (۱۳۷۷)، ج ۱، ص ۳۵۲

^۷ - ابن جوزی، (۱۴۲۳)، ص ۱۴۳

^۸ - ابن اثیر، (بی.تا)، ج ۵، ص ۴۸۹

^۹ - المنذری، (۱۹۶۸)، ج ۲، ص ۲۵۳

منسوب به پیامبر(ص) آمده است، زنان را در طبقات فوقانی جای ندهید و نویسندگی به آنان نیاموزید؛ نیز سوره‌ی یوسف را به آن‌ها تعلیم ندهید. بافندگی و سوره‌ی نور را به آنان بیاموزید.^۱ بر این عقیده بودند که ضرورتی برای آموزش دقائق دین به زن نیست.^۲ بی تردید باور جامعه به کم‌خردی زن در محروم ماندن وی از علم‌آموزی مؤثر بود. تأکید بر این امر بود که آموزش زن باید از طریق محارم باشد؛ در غیر این حالت و در صورت ضرورت، زن می‌تواند از یک عالم، آن هم در اماکن عمومی، سوال خود را بپرسد.^۳ این بینش به علم-آموزی زن و هم‌سویی با باورهای یهود در آثار برخی بزرگان نیز بازتاب یافته است. غزالی در کتاب خود می‌نویسد: عالمی، دختری را تعلیم و آموزش می‌داد؛ به او گفته شد "بدی را بدی می‌آموزد".^۴ در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که امر یادگیری بیشتر به صورت موروثی در آمده بود. بدین معنا که، اگر در یک خانواده، پدر، برادر یا همسر سواد داشت و از دانشی برخوردار بود، آن‌را به زن و یا دختران خود نیز می‌آموختند. زنان این قبیل خاندان‌ها، در واقع از طریق محارم خود، علم را فرا می‌گرفتند.^۵ بدیهی است، سایر زنان که از چنین امتیازی برخوردار نبودند، بهره‌ی چندانی از علم نمی‌بردند. زن و مشارکت در امور سیاسی؛ یکی دیگر از شاخص‌های حضور اجتماعی زن، میزان مشارکت او در مسائل سیاسی و سهم‌شدن در سرنوشت جامعه و تدبیر امور است. در گفتمان اسلام، بر حضور زنان و مردان مسلمان در عرصه‌های سیاسی و سهم‌شدن در اداره‌ی امور جامعه تأکید شده است. اما، بعد از رحلت پیامبر(ص)، اراده‌ی جامعه بر این اندیشه استوار شد که زنان حق مداخله در امور سیاسی را ندارند. رواج باورهایی هم‌چون نقصان عقل زن، عدم مشورت با زن، عمل نکردن براساس رأی و نظر زن، عدم اطاعت از زن و فضیلت عدم خروج زن از خانه این اندیشه را تقویت کرد. باور جامعه بر این بود که مداخله‌ی زنان در امور جامعه، باعث فساد و تباهی آن می‌شود.^۶ محدودیت و تبعیض تبعیض جنسیتی سیاسی و حقوقی در فرهنگ یهود نیز دیده می‌شود. در حدیثی منسوب به پیامبر(ص) آمده

^۱ - صدوق، (۱۳۷۴)، ج ۲، ص ۳۷۴

^۲ - صدوق، (۱۳۶۷)، ج ۵، ص ۹۱

^۳ - ابن جوزی، (۱۴۲۳)، ص ۱۰۲

^۴ - غزالی، (۱۳۶۱)، ص ۲۶۹

^۵ - کحاله، (۱۴۰۴)، ج ۲، ص ۲۹۵

^۶ - ترمذی، (بی‌تا)، ج ۲، ص ۲۵۶

است: قومی که زمام امور خویش را به یک زن واگذار کنند، رستگار نخواهند شد.^۱ در حدیث دیگری آمده است: زنان نباید در امور قضایی شرکت داشته باشند. جایز نیست که متصدی امر فرماندهی شوند. زنان در امور طرف مشورت قرار نمی گیرند.^۲ نقل شده است: هر مردی که یک زن برای او تدبیر کند از رحمت خدا به دور است.^۳

ارزیابی احادیث

در بررسی روایات، برای تشخیص خبر صحیح از غیر صحیح، هم نقد متن حدیث و هم نقد اسناد مورد توجه می باشد. در بحث از نقد متن حدیث، یکی از معیارها و موازین بررسی متن حدیث و تشخیص خبر صحیح از سقیم، عرضه ی روایت به قرآن و سنت و سیره ی قطعی پیامبر(ص) است.^۴ در پژوهش حاضر، شاخص های حیات اجتماعی زن در گفتمان قرآن و گفتمان نبوی بررسی شده است. هم چنین، این شاخص ها در فرهنگ یهود نیز مورد توجه قرار گرفته است. همان طور که اشاره شد، روایات های منقول از فرهنگ یهود مشتمل بر سه دسته است که دسته ای از این عناصر فکری یهود، آن هایی است که با منابع اصیل اسلامی مغایرت دارد. مقایسه ی گفتمان قرآن و گفتمان نبوی با مرویات مورد توجه در این پژوهش، نشان دهنده ی نوعی تعارض میان این روایات با گفتمان اسلام است. از سوی دیگر، با توجه به جریان نفوذ اسرائیلیات در سده های نخستین اسلامی در زمینه های مختلف و از جمله در موضوع مورد پژوهش، به نظر می رسد محدودیتی که در فرهنگ یهود در ارتباط با حیات اجتماعی زن وضع شده در احادیث اسلامی نیز بازتاب یافته است. به عبارت دیگر، مرویات مورد پژوهش، هم سوئی بیشتری با باورهای یهود دارند تا گفتمان اسلام. از این رو، تعارض آن ها با منابع اصیل اسلامی، صحت این روایات را مورد تردید قرار می دهد. علاوه بر نقد متن روایات، به هنگام تشخیص حدیث صحیح از غیر صحیح، نقد سند نیز مورد توجه قرار می گیرد. گاهی ممکن است راویان یک حدیث، ثقه و مورد اعتماد باشند؛ اما روایت به لحاظ متن صحیح نباشد. به تعبیر دیگر، در این

^۱ - نسایی، (۱۴۰۸)، ج ۸، ص ۶۱۸؛ بخاری، (۱۴۰۸)، ج ۳، ص ۱۸۱

^۲ - صدوق، (۱۳۷۴)، ج ۲، ص ۳۷۳

^۳ - کلینی، (۱۳۶۳)، ج ۸، ص ۵۱۸

^۴ - معماری، (۱۳۸۴)، ص ۳۲

حالت می‌توان گفت که راویان جعل شده‌اند. یعنی همان‌گونه که جعل متن وجود دارد، جعل سند نیز هست.^۱ با وجود این، توجه به احوال راویان برای تشخیص حدیث صحیح از سقیم اهمیت دارد.

در اسناد مرویات مورد بررسی در پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد اخبارِ نومسلمان به طور مستقیم تأثیر گذار نبوده‌اند. هر چند در سند سایر روایت‌ها در موضوعات دیگر در باب زن می‌توان تأثیر مستقیم آن‌ها را دید.^۲ اما در سند این مرویات، راویان مشهور به نقل روایت از اخبار نومسلمان دیده می‌شوند.^۳ هم‌چنین، راویانی که هم‌سو با سیاست خلفا بوده و اجازه‌ی نقل حدیث داشته‌اند.^۴ نکته‌ی قابل تأمل این است که تعداد قابل توجهی از راویان در اسناد این روایت‌ها، "بصری" هستند.^۵ برخی از راویان این روایت‌ها از موالیان خاندان اموی^۶ و برخی نیز از کارگزاران حکومت اموی و عباسی هستند.^۷ تعدادی از آنان نیز به روایت از راویان مشهور به نقل اسرائیلیات پرداخته‌اند.^۸ در این میان، راویانی هستند که متهم به خلط روایت‌ها و نیز نقل روایت‌ها ضعیف می‌باشند.^۹ هم‌چنین وجود راویان ضعیف^{۱۰} در اسناد مرویات از جوامع روایی شیعه، صحت این روایت‌ها را مورد تردید قرار می‌دهد. با وجود اعتماد به وثاقت تعدادی از این راویان، به دلیل تعارض متن روایت‌های با گفتمان اسلام، احتمال تحریف و جعل در این روایت‌ها، امری دور از ذهن نیست. لذا، صحت و حجیت این دسته از روایت‌ها می‌تواند مورد تردید قرار گیرد.

نتیجه گیری

در حیات جاهلی، قدرت مردانه تأثیر خود را در ابعاد مختلف زندگی زنان به جای نهاده بود. اما، بر اساس گفتمان اسلام در حوزه‌ی مشارکت اجتماعی، زن و مرد هر دو می‌توانند هم‌سان فعالیت کنند. با

^۱ - معماری، (۱۳۸۴)، ص ۷۶

^۲ - برای نمونه نک: وهب بن منبه؛ طبری؛ (۱۴۱۲)، ج ۱، ص ۲۷۳

^۳ - برای نمونه نک: ابوهریره؛ نیز نک: نقل عثمان بن الهيثم (ابن حجر، ۱۴۱۵)، ج ۷، ص ۱۳۹ از عبدالملک بن جریج که محور روایت‌های اسرائیلی در زمان تابعین است.

^۴ - برای نمونه نک: عایشه؛ ابن جوزی، (۱۴۲۳)، ص ۱۴۹

^۵ - برای نمونه نک: شعبه بن حجاج؛ ابن حجر (۱۴۱۵)، ج ۴، ص ۳۰۸؛ محمد بن مثنی؛ ابن حجر (۱۴۱۵)، ج ۹، ص ۳۶۸

^۶ - نک: قزعه بن یحیی؛ ابن حجر، (۱۴۱۵)، ج ۸، ص ۳۲۷

^۷ - نک: سلیمان بن حرب؛ ابن حجر (۱۴۱۵)، ج ۴، ص ۱۶۱

^۸ - برای نمونه نک: قزعه بن یحیی؛ ابن حجر، (۱۴۱۵)، ج ۸، ص ۳۲۷

^۹ - برای نمونه نک: عبدالملک بن عمیر؛ ابن حجر، (۱۴۱۵)، ج ۶، ص ۳۵۹؛ حمید الطویل؛ ابن حجر، (۱۴۱۵)، ج ۳، ص ۳۴

^{۱۰} - نک: جابر بن یزید جعفی؛ نجاشی، (۱۴۱۱)، ج ۱، ص ۱۰۰

رحلت پیامبر(ص). سیاست جامعه از همان ابتدا بر این قرار گرفت که زن از عرصه های اجتماعی کنار گذاشته شود. با نقل روایت ها و احادیثی، هرگون دخالت و همراهی زنان در امور جامعه از آنان سلب شد. این احادیث متأثر از باورهای یهود به فرهنگ اسلامی راه یافت. به نظر می‌رسد در شرایطی که اراده‌ی جامعه‌ی اسلامی بر محدودیت زن استوار شده بود، بستری فراهم شد تا این عناصر فرهنگ یهود به وسیله‌ی مسلمانان مورد پذیرش قرار گیرد. در مجموع، تعارض این روایت‌ها با گفتمان اسلام و هم سوئی آن‌ها با باورهای یهود و اندیشه‌ی جاهلی منجر به بازتولید نگاه جاهلی به زن شد. یعنی، بازتولید محدودیت و قرار دادن زن در جایگاهی پایین‌تر از مرد به مانند عصر جاهلی در شکل و قالب جدید.

فهرست منابع

- ۱- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی (بی.تا) اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- ۲- ابن ابی الحدید، (۱۴۰۷) شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالجلیل
- ۳- ابن ابی شیبّه، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹)، المصنف فی الاحادیث و الاثار، بیروت، دارالتاج
- ۴- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۳) احکام النساء، بیروت، المکتبه العصریه
- ۵- ابن حَجَر عَسْقلانی، احمد بن علی (بی.تا) الإصابه فی تمییز الصّحابه، بیروت، دارالفکر
- ۶- ابن حنبل، احمد، المسند، (۱۴۰۴) تحقیق احمد محمد شاکر، مصر، دارالمعارف
- ۷- ابن سعد، ابوعبدالله محمد، (۱۴۰۵) الطبقات الکبری، بیروت، دار بیروت
- ۸- ابن عبدربه الاندلسی، احمد بن محمد (۱۴۰۴) العقدالفردی، بیروت، دارالکتب العلمیه
- ۹- ابن قتیبّه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۵)، المعارف، قم، منشورات شریف رضی
- ۱۰- ابن کثیر، ابی الفداء اسماعیل، البدایه و النهایه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ هـ.
- ۱۱- ابن هشام (۱۹۸۵) السّیره النبویه ؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی
- ۱۲- ابوریّه، محمود، (بی.تا) اضواء علی السنه المحمديه، بیروت، موسسه منشورات الاعلمی، للمطبوعات
- ۱۳- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (بی.تا) الاغانی، بیروت، موسسه جمّال للطباعه و النشر
- ۱۴- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۷) صحیح، بیروت، دارالقلم
- ۱۵- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۹۹۶) جُمَل من انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر
- ۱۶- پیشوایی، مهدی (۱۳۶۷) "راه‌های نفوذ اسرائیلیات در تاریخ اسلام"، قم، پیام حوزه، شماره ۱۳

- ۱۷- جلالی کندی، سهیلا (۱۳۸۳) زن مسلمان، پرده نشینی یا حضور اجتماعی، تهران، دانشگاه الزهرا (س)
- ۱۸- جوادعلی (۱۴۱۳) المفصل فی التاريخ العرب قبل الاسلام، بغداد، مکتبه النهضه
- ۱۹- حسین، الحاح حسن (۱۹۸۴) حضاره العرب فی عصر الجاهلیه؛ بیروت، الموسسه الجامعیه للدراسات و النشر و التوزیع.
- ۲۰- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان (بی.تا) سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله
- ۲۱- — (بی تا) میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت، دارالفکر
- ۲۲- دیاری، محمد تقی (۱۳۷۹) پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی
- ۲۳- السیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر (۱۴۱۱) تاریخ الخلفاء، قم، منشورات رضی
- ۲۴- شوئر، گرگور، مقایسه ی تورات شفاهی و حدیث در نقل و روایت، منع نگارش و تدوین آن دو؛ ترجمه لیلا هوشنگی، مجله علوم حدیث، ۱۳۸۹
- ۲۵- صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه قمی، ۱۳۶۷، من لایحضره الفقیه، (متن عربی با ترجمه فارسی)، محمد جواد غفاری، تهران، نشر صدوق
- ۲۶- — (۱۳۷۷) معانی الاخبار، (متن عربی با ترجمه فارسی)، شیخ عبدالعلی محمدی شاهرودی، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- ۲۷- — (۱۳۷۴) خصال، (متن عربی با ترجمه فارسی)، محمد باقر کمره ای، تهران، انتشارات کتابچی
- ۲۸- — (۱۳۷۳) مواعظ، ترجمه عزیزا . . . عطاردی، تهران، عطارد
- ۲۹- غزالی، محمد بن محمد؛ (۱۳۷۷) احیاء علوم الدین؛ ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، تهران، علمی و فرهنگی
- ۳۰- — (۱۳۶۱) نصیحه الملوک، تصحیح جلال الدین همایی، تهران، انتشارات بابک
- ۳۱- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۹۷۲)، صحیح، ، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- ۳۲- کتاب مقدس (یعنی کتب عهد عتیق و عهد جدید)، (۱۰۹۴) ترجمه از عبرانی و کلدانی و یونانی، به همت انجمن پخش کتب مقدسه
- ۳۳- کحاله، عمر رضا (۱۴۰۴)، اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، بیروت، مؤسسه الرساله
- ۳۴- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳) الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- ۳۵- کوهن، آبراهام (۱۳۸۲) گنجینه ای از تلمود، ترجمه ی انگلیسی امیر فریدون گرگانی، تهران، اساطیر
- ۳۶- مشارقه، محمد زهیر (۱۹۸۸) الحیاه الاجتماعیه عند البر فی الوطن العربی، دمشق، دار طلاس للدراسات و الترجمة و النشر

- ۳۷- معارف، مجید (۱۳۷۷)، تاریخ عمومی حدیث، تهران، کویر
- ۳۸- معماری، داود، (۱۳۸۴) مبانی و روش‌های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشه واران شیعه، قم، بوستان کتاب
- ۳۹- المنذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی، (۱۹۶۸) الترغیب و الترهیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۴۰- نسایی، احمد بن شعیب، (۱۴۰۸) سنن، بیروت، دار الکتب العلمیه
- ۴۱- واقدی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹) المغازی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
- ۴۲- هولم، جین و جان بوکر، (۱۳۸۴) زن د رادیان بزرگ جهان، ترجمه‌ی علی غفاری، تهران، امیرکبیر
- ۴۳- Lewis , Bernard , The Jews of Islam , Princeton, 1984
- ۴۴- Encyclopedia Judaica , Jerusalem , 1978-1982. S.V .” Woman ”
- ۴۵- Encyclopedia Judaica , Jerusalem , 1978-1982. S.V .” Education of Jewish Women”
- ۴۶- Neusnez , Jacob and Tamara sonnn , comparing religions through Low , Judaism and Islam , Rout Ledge , Us A and Canada , 1999
- ۴۷- Wensinck , Arent jan , Muhammad and the Jews of Medina , tr and ed . Wolfgang H.Behn , 2nd .ed Berlin , 1982

Abstract

The Affect of Jewish Beliefs on the Retroduction of Jaheli Perception to Social life of woman in Islamic Society

*Fateme Jafarnia

****Sadeq Aynevand**

*****Leila Hooshangi**

In the region Jazyrat Al Arab before Islam, like other regions, negative attitude to women has been the dominant look. Islam changed this outlook. Similar to the same creation in the discourse of Quran, equal them in achieving spiritual values and not difference in social participation were similar to the following. This vision in discourse of Nabavi presence in the of women in religious communities and in the field of science learning and participation in the affairs of the objective and practical aspects took. With Demise of the Prophet will of the Islamic community based on the idea that the discourse about the Muslim woman is placed in the margin. The writer believes that elements of other religions and ethnic groups, including elements of Jewish culture in strengthening the flow and to reproduce the look foolish woman were effective. Jewish culture, which encompasses the negative indicators look to women in social, with ignorant look in this field was the hand. Results revealed that the Caliphs policy to provide common ground for influence and vogue the elements of Jewish culture by Ahbar and Ravian it led to the emergence of narrative hadith and although the name of the Islamic hadith found in Islamic culture way, but in reality nothing but in the name of Islam look ignorant women from teachings of ignorant teachings. Therefore, knowledge of the original teachings of Islamic from teachings, of

ignorant reproduction in the name of Islam is purposes of this study.

In this study, using historical research to collect data and discussed with rational and analytical approach to evaluate explains.

Keyword

Women - Quran - Sire Nabavi - Jaheli - Jewish - Umayyad - Abbas

*Ph.D.candidate of History University of AL-Zahra

**Professor of Islamic History:Tatbeyat Modarres University

***Assistant Professor of Religions University of AL-Zahra

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.